



گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان فیلم کوتاه «اسکلت دوست‌داشتنی من»

تجربه‌های شخصی‌ام را به قصه‌ای درباره دلتنگی مادر و فرزند تبدیل کردم



احمد جوان

رضا یسردل، کارگردان فیلم کوتاه «اسکلت دوست‌داشتنی من»، در گفت‌وگو با «جوان» از شکل‌گیری ایده این فیلم برآمده از تجربه‌های شخصی، نقش فانتزی و رؤیا پردازی در آثارش و نگاهش به وضعیت سینمایی کوتاه‌ا ایران می‌گوید.

در «اسکلت دوست‌داشتنی من» با پسر بچه‌ای روبه‌رو هستیم که چند ماه است مادرش را ندیده و از مدرسه فرامی‌کند تا به او برسد. چه چیزی این موقعیت را به نقطه آغاز داستان تبدیل کرد؟

داستان درباره پسر بچه‌ای است که درست مثل فردی تشنه در کویر به مادرش نیاز دارد و چند ماه است که او را ندیده است. او از مدرسه فرامی‌کند و پیش مادرش می‌رود تا او را ببیند و کنارش باشد. این موقعیت را به تصویر کشیدم و دوست داشتم حس داشته باشد. این چیزی است که به آن اعتقاد دارم و مدل فیلم‌سازی من است. برای اینکه این عطش فراوان کودک را دراماتیک کنیم، نیاز داشتم بچه مادرش را در آغوش بگیرد، او را بو کند و این دو با هم کنش و تعاملی داشته باشند. در فیلم هم به این موضوع اشاره می‌کنم که این حس یک‌طرفه نیست، بلکه دوطرفه است.

مادر کودک نیز با وجود مشکلات درونی و بی‌رونی‌اش، دلش برای بچهاش تنگ شده‌است، هرچند این دلتنگی را بروز نمی‌دهد. او مثل بچه نیست؛ کودک نمی‌تواند نقابش را حفظ کند و در نهایت احساسش را نشان می‌دهد، اما مادر تا انتهای فیلم نقابش را نگه می‌دارد تا اینکه وقتی بچه در آغوش می‌کشد.

در پرداخت درام، چرا تصمیم گرفتید کودک برای مدتی طولانی مادرش را نبیند؟
برای درام کارم فکر کردم بهتر است این کودک برای مدتی به‌طور کامل مادرش را نبیند. هرچند در فیلم قرار بود خیلی قبل‌تر به این موضوع سر بزنیسم. برای اینکه چرخ‌دنده‌های داستان بهتر بچرخد و شخصیت بتواند با ترسناک‌ترین ترس‌هایش روبه‌رو شود، ترجیح دادم او را در چنین شرایطی قرار دهم، به‌جای اینکه صرفاً به واقعیت و خاطرات شخصی خودم بایند بمانم.

چه نسبتی میان تجربه‌های شخصی شما و شکل‌گیری ایده «اسکلت دوست‌داشتنی من» وجود دارد؟

در این فیلم می‌خواستم در فضایی که بldم و زیستش کرده‌ام، قصه‌ای را تعریف کنم. تعریف چنین قصه‌هایی که آدم به آنها مسلط است، می‌تواند جان کلام را بهتر منتقل کند تا مخاطب هم با زیستی که فیلم‌ساز ترسیم

حکایت

پیامبر اعظم صل الله علیه و آله و سلم:

ترسناک ترین چیزی که از آن بر آینده شما می ترسم، منافقِ زبان‌دان است.

 منیبه المرید
--

روز نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سر دبیر: غلامرضا صادقیان
آدر س: تهران، خیابان بهیقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشر گستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۷۷۵ | سه‌شنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۵ | ۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ | اذان ظهر ۱۱:۴۹ | غروب آفتاب ۱۷:۲۳ | اذان مغرب ۱۷:۴۱ | شب‌شعبه شریعی ۲۳:۰۷ | اذان صبح فردا ۰۴:۲۲ | طلوع آفتاب فردا ۰۶:۱۶



گفت‌وگوی «جوان» با تهیه‌کننده و کارگردان فیلم سینمایی «نور»

«نور» بیماری را از زاویه امیدروایت می‌کند

مصطفی شاه‌کرمی

فیلم سینمایی «نور» داستان گروهی از کودکان مبتلا به سرطان است که در شرایط دشوار جسمی و روحی، همچنان برای رسیدن به آرزوهایشان تلاش می‌کنند. فیلم تلاش دارد در کنار روایت دشواری‌های بیماری، از امید، اراده و همدلی بگوید و نقش خانواده و کادر درمان را در زندگی این کودکان به تصویر بکشد. این اثر به تهیه‌کنندگی کامران مجیدی و کارگردانی علی سرآهنگ، که در سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان اصفهان هم حضور داشت، داستان کودکانی را روایت می‌کند که با وجود شرایط دشوار جسمی و روحی، امید و اراده خود را از دست نمی‌دهند. «جوان» با کارگردان و تهیه‌کننده این اثر گفت‌وگو کرده است.



شما سال‌هاست در حوزه کودک و نوجوان فعالیت دار یس. از اولین تجربه‌تان در این حوزه بگویید.

کامران مجیدی: اولین کار کودک‌کی که انجام دادم حدود سال ۱۳۸۷ بود؛ فیلمی به نام «دوربین فیلمبرداری» بود که براساس یکی از قصه‌های مجموعه «پلوخورش» نوشته هوشنگ مرادی کرمانی ساخته شد. این کار فیلم بلندی بود که برای مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی تولید کردم و بازیگرانی مانند بابک حمیدیان و مهران غفوریان هم در آن حضور داشتند و جوایزی نیز دریافت کرد. بعد از آن «خدا چوجه‌لک‌ها را دوست دارد» را برای تلویزیون کار کردم که جایزه بهترین فیلم جشنواره جام‌جم را گرفت و فیلم‌های دیگری که آنها هم مورد توجه واقع شد.

چه چیزی باعث شده بعد از این سال‌ها هنوز به سینمایی کودک و نوجوان علاقه داشته باشید؟

مجیدی: کار کودک و نوجوان همیشه یکی از دغدغه‌های من بوده است. سال‌ها پیش در تلویزیون هم در این حوزه فعالیت داشتم و به دلیل علاقه خانوادگی، همیشه این موضوع برایم جذاب بوده است. اولین کار سینمایی من «لاک قرمز» بود که اگر چه مستقیماً فیلم کودک محسوب نمی‌شد، اما گوشه‌چشمی به مسائل مربوط به کودک و نوجوان داشت. همچنان هم این دغدغه را دارم و یکی دو قصه بزرگ در حوزه کودک و نوجوان دارم که امیدوارم شرایط برای ساخت آنها در آینده فراهم شود. **«نور» اولین تجربه شما در سینمای کودک و نوجوان است؟ قبل از آن چه کارهایی انجام داده بودید؟**

علی سرآهنگ: پیش از این در آثار مختلفی همکاری داشتم؛ مثلاً طرح و فیلمنامه فیلم «ملقات خصوصی» را با مهدی شمس نوشتم. به سریال «تیکان» را ساختم‌ام که از شبکه سه پخش شد. «نور» نخستین فیلم سینمایی من با موضوع کودک و نوجوان است.

آقای مجیدی، ایده ساخت «نور» از کجا آمد؟

یکی از بخش‌هایی که برای من در این پروژه جذاب بود، پرداختن به موضوع کودک و نوجوان بود. به نظرم موضوعات مربوط به کودکان و نوجوانان می‌تواند نوعی وجه مشترک میان فرهنگ‌ها و اقلیه‌های مختلف باشد. دوست داشتم تجربه‌ای در ارتباط با کودکان خارج از اقلیم ایران داشته باشم و همین‌جا ایده اولیه شکل گرفت. چند سال پیش در کشور عراق تحقیقاتی داشتم و در رفت‌وآمدها و گفت‌وگوهایی که با کودکان و فعالان این حوزه انجام دادم، متوجه شدم تولیدات کودک و نوجوان در آنجا بسیار محدود است و بیشتر در حد کارهای ساده و پلاتویی دنبال می‌شود. همین موضوع باعث شد به این فکر کنم که کاری مشترک میان ایران و عراق و با حضور کودکان و عوامل دو کشور تولید کنیم. این تجربه برای ما بسیار خوب بود و متوجه شدیم میان کودکان ایران و کودکانی که در آن اقلیم زندگی می‌کنند، قرابت و اشتراک زیادی وجود دارد. حاصل این تجربه، پروژه «نور» شد.

خود داستان «نور» درباره چیست؟

سر آهنگ: «نور» قصه کودکی است که به سرطان مبتلا هستند و در بیمارستان، در شرایط جسمی و روحی بسیار آسیب‌پذیر قرار دارند، اما روحیه خود را از دست ندهادند و تلاش می‌کنند با اراده‌ای قوی به آرزوهایشان برسند. آنها در طول این مسیر با چالش‌ها و موانعی مواجه می‌شوند و در نهایت با کمک کادر درمان بیمارستان و اطرافیانشان تلاش می‌کنند بر این موانع غلبه کنند و به هدف خود برسند. به نظرم برای نوجوان امروز، اراده موضوع بسیار مهمی است. وقتی اراده وجود داشته باشد، انسان تصمیم می‌گیرد کاری را انجام دهد و با پشتکار و تلاش به هدف و آرزویی که دارد برسد. احساس می‌کنم این ویژگی در زندگی امروز نوجوانان اهمیت بیشتری پیدا کرده است.



و نقاشی کودکان در نظر گرفته شده و تلاش می‌شود محیط برای آنها قابل تحمل‌تر باشد.

در انتخاب بازیگران کودک هم سراغ بچه‌هایی رفتید که با فضای واقعی بیمارستان آشنا بودند؟

سر آهنگ: دو شخصیت اصلی ما بازیگر حرفه‌ای بودند و نقش‌های اصلی را ایفا کردند. شخصیت «نور» هم دختری است که با مشکل شدید بینایی مواجه است. در کنار آن‌ها، تلاش کردیم از کودکانی که در بیمارستان حضور داشتند نیز در بخش‌های استفاده کنیم و آنها را وارد فضای بازی کنیم. این اتفاق برای ما تجربه خوبی بود و خوشبختانه توانستیم با کمک آنها فضای موردنظر را به فیلم نزدیک کنیم.

کار با بچه‌ها برای شما چه سختی‌هایی داشت؟

سر آهنگ: کار کردن با بچه‌ها هم سخت است و هم لذت‌بخش. بچه‌ها به‌شدت باهوش و زرنگ هستند و گاهی کاری می‌کنند که خود آدم هم غافلگیر می‌شود. ممکن است از آنها یک واکنش مشخص بخواهید اما واکنش دیگری نشان دهند که حتی بهتر از چیزی باشد که تصور کرده‌اید. آنها بازیگران بزرگسال نیستند و باید با آنها مدارا می‌کردیم. در عین حال، اگر بازیگران کودک درست انتخاب شوند، می‌توانند اتفاق‌های بسیار خوبی در فیلم رقم بزنند. برای من تجربه کار با کودکان در «نور» تجربه‌ای لذت‌بخش بود.

آقای مجیدی، چرا با وجود این همه مخاطب کودک و نوجوان، تولید فیلم در این حوزه سخت است؟

سینمای کودک و نوجوان سینمای مظلومی است

